

«فصلنامه آموزش و ارزشیابی»

سال ششم - شماره ۲۳ - پاییز ۱۳۹۲

ص. ص. ۷۷-۸۹

مقایسه سوگیری توجه نسبت به چهره‌های هیجانی در نوجوانان دارای اضطراب خصلتی - حالتی بالا و پایین

سارا بخشار^۱

دکتر محمدعلی نظری^۲

غلامرضا چلبیانلو^۳

مهدی‌رضا سرافراز^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۵/۰۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۰۶/۱۹

چکیده:

شواهد نشان می‌دهند که افراد مضطرب به طور ترجیحی به محرک‌های تهدیدآمیز توجه کرده و محرک‌های مبهم دارای بار هیجانی را به طور تهدیدآمیز تفسیر می‌کنند. هدف از مطالعه حاضر، بررسی سوگیری توجه نسبت به چهره‌های هیجانی (شاد، خشمگین و خنثی) در نوجوانان دختر با اضطراب فصلتی-حالتی بالا و پایین است. ۶۰ نوجوان دختر ۱۶ تا ۱۸ ساله با اضطراب فصلتی-حالتی بالا ($n=30$) و اضطراب فصلتی-حالتی پایین ($n=30$)، با استفاده از پرسشنامه اضطراب صفت-حالت اسپیلبرگر انتخاب شدند. برای ارزیابی پردازش انتخابی توجه آزمایش پروب دات جفت تصویری مورد استفاده قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که تعامل بین اضطراب فصلتی-حالتی و نمرات سوگیری توجه تنها برای چهره‌های خشمگین معنادار است و برای دیگر چهره‌های هیجانی (شاد و خنثی) معنی‌دار نیست. این مطالعه نشان داد که نوجوانان با اضطراب فصلتی-حالتی بالا گوش به زنگی قابل توجهی نسبت به چهره‌های خشمگین نشان می‌دهند، در حالی که نوجوانان با اضطراب فصلتی-حالتی پایین اجتناب قابل توجهی نسبت به همان چهره نشان می‌دهند.

واژگان کلیدی: سوگیری توجه، چهره‌های هیجانی، اضطراب فصلتی - حالتی

۱- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه روانشناسی عمومی، تبریز، ایران.

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز

۳- دانشجوی دکتری علوم اعصاب شناختی دانشگاه تبریز

۴- دانشجوی دکتری روانشناسی سلامت دانشگاه تهران

مقدمه:

در طی دهه گذشته، روان‌شناسان تجربی به وفور بر مفاهیم و روش‌های روان‌شناسی شناختی برای بررسی آشفتگی‌های مرتبط با اختلالات اضطرابی^۱ تکیه کرده‌اند. در سال‌های اخیر پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در جهت روشن کردن مفهوم اضطراب به عنوان یک حالت هیجانی از یک سو و تفاوت‌های فردی در آمادگی برای اضطراب به عنوان یک صفت شخصیتی از دیگر سو صورت گرفته است (اسپیلبرگر^۲ و کراسنر^۳، ۱۹۸۸). در دیدگاه شناختی اعتقاد بر این است که اختلال در پردازش اطلاعات که در مواجهه با موقعیت‌های خاصی یا در ارتباط با مشکلات خاصی به وقوع می‌پیوندد، منشأ اضطراب محسوب می‌شوند (هایمبرگ^۴ و بارلو^۵، ۲۰۰۱). سه مولفه شناختی اضطراب در دیدگاه بک (به نقل از همان منبع) عبارتند از:

۱- تفسیر موقعیت‌های مبهم به عنوان موقعیت‌های تهدیدکننده^۲ - اغراق در ارزیابی میزان تهدید در موقعیت خطرآفرین^۳ - اعتقاد بر غیرقابل پیش‌بینی و پرخطر بودن آینده. برخی از پژوهشگران با تمرکز بر نقش عوامل شناختی در اضطراب، نشان داده‌اند که پردازش اطلاعات^۶ تهدیدزا در افراد مضطرب، با سوگیری شناختی همراه است (رادمسکی^۷ و ون دن هوت^۸، ۲۰۰۴). به عبارتی افراد دارای اختلالات هیجانی یا کسانی که نسبت به این اختلالات آسیب‌پذیر هستند، به طور انتخابی به نشانه‌هایی توجه می‌کنند که با موضوعات برجسته‌ی هیجانی آنها در ارتباط است (ستورمارک^۹، فیلد^{۱۰}، هاگ داهی^{۱۱} و هورویتز^{۱۲}، ۱۹۹۷).

طبق نظر باور (به نقل از ولز^{۱۳} و متیوس^{۱۴}، ۱۹۹۴) شخص در هر وضعیت هیجانی که باشد، به کلمات و محرک‌های مربوط به همان هیجان توجه می‌کند برای مثال بررسی‌هایی که با "آزمون استروپ"^{۱۵} انجام شده‌اند، وجود تأخیر زمانی در نام بردن رنگ کلمه‌های مربوط به محرک‌های تهدید کننده را آشکار

-
1. Anxiety disorders
 2. Spielberger
 3. Krasner
 4. Hiemberg
 5. Barlow
 6. Information processing
 7. Radomsky
 8. Vanden Hout
 9. Stormark
 10. Field
 11. Hugdahl
 12. Horowitz
 13. Wells
 14. Mathews
 15. Stroop Task

کرده‌اند (متیوس و مک لئود^۱؛ ۱۹۸۶؛ فوکس^۲، ۱۹۹۳؛ اسماعیلی ترکانبوری، ۱۳۸۲). مگ^۳ و همکاران (۲۰۰۰) و واترز^۴ و همکارانش (۲۰۱۰) و (۲۰۰۸) در پژوهش‌های خود با استفاده از آزمون پروب دات^۵ نشان دادند که، در این آزمون افراد به نقطه‌ای که در نواحی مورد توجهشان است زودتر پاسخ می‌دهند تا به نقطه‌ای که در نواحی مورد توجهشان نیست. بنابراین، مطالعات لی^۶ و همکارانش (۲۰۰۹) و شفییعی و همکارانش (۱۳۸۷) با استفاده از این دو آزمون در افراد نشان داده‌اند که، افراد با صفت اضطرابی بالا، تمایل دارند که به صورت انتخابی توجه خود را به سوی محرک‌های مربوط به تهدید معطوف کنند که این پدیده، هم‌سو با حالتی به نام «گوش به زنگی»^۷ برای تهدید است. در حالی که این سوگیری جزء مشخصه‌های افراد با صفت اضطرابی پایین نمی‌باشد، این افراد توجه خود را از محرک‌های مربوط به تهدید دور می‌کنند که این پدیده نیز به عنوان اجتناب^۸ از محرک‌های تهدیدکننده شناخته شده است.

در الگوهای شناختی، سوگیری توجه برای تهدید، نقش مهمی در سبب‌شناسی و تداوم حالت‌های اضطرابی دارد (متیوس و مک لئود، ۱۹۸۶؛ باور، ۱۹۸۱). ونزل و هالت (به نقل از شفییعی، ۱۳۸۳) در پژوهشی که انجام دادند نشان دادند که افراد مضطرب توسط سوگیری توجه نسبت به تهدید مشخص می‌شوند به صورتی که این افراد احتمال بیشتری دارد که توجه مستقیم به محرک تهدید کننده^۹ داشته باشند تا محرک خنثی^{۱۰}، بر این اساس می‌توان گفت، سوگیری توجه در افراد مضطرب در واقع سکه‌ای است که دو رو دارد. یک روی آن گوش‌به‌زنگی است و روی دیگر آن اجتناب؛ که این دو به تشخیص سریع خطر (به وسیله گوش به زنگی) و حفاظت شخص از محرک تهدیدزا (به وسیله اجتناب) کمک می‌کنند، اما همین پدیده گوش‌به‌زنگی - اجتناب موجب تداوم و بقای اختلال در بیماران می‌شود (مگ، متیوس، آیزنک^{۱۱} و مای^{۱۲}، ۱۹۹۱).

نتایج تحقیق روی^{۱۳} و همکاران (۲۰۰۸) نشان داد که نوجوانان دارای اضطراب در مقایسه با نوجوانان سالم نسبت به چهره‌های تهدید سوگیری نشان دادند. در طی مطالعه‌ای که تلزر^{۱۴} و همکاران (۲۰۰۸)

1. MacLeod
2. Fox
3. Mogg
4. Waters
5. Dot probe Task
6. Lee
7. Vigilant
8. Avoidant
9. Threat stimuli
10. Neutral stimuli
11. Eysenck
12. May
13. Roy
14. Telzer

انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بین اضطراب خصلتی و سوگیری توجه نسبت به چهره‌های عصبانی ارتباط مثبتی وجود دارد.

تحقیق و پژوهش در ارتباط با سوگیری توجه در حالت هیجانی اضطراب ضروری به نظر می‌رسد چرا که مطالعات در این زمینه نشان می‌دهند که اضطراب پردازش اطلاعات مربوط به تهدید را تسهیل نموده و منجر به اختصاص یافتن توجه به تهدید و تأثیر بر نحوه پاسخ به آن می‌شود. هر چند انبوهی از پژوهش‌ها در این زمینه انجام شده‌اند، ولی از آنجا که هر تحقیق محدودیت‌های خاص خود را دارد، بنابراین هنوز زمینه‌های قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که سوگیری‌های شناختی را می‌توان مورد مطالعه قرار داد. در این پژوهش سعی شده است که همگام با سایر تحقیقات انجام شده و با استفاده از روش‌شناسی متناسب در این حوزه، به مقایسه سوگیری توجه نسبت به چهره‌های هیجانی (شاد، خشمگین، خنثی) در نوجوانان دختر دارای اضطراب خصلتی - حالتی^۱ بالا و پایین پرداخته شود تا به این پرسش پاسخ داده شود که آیا نوجوانانی که دارای اضطراب خصلتی - حالتی بالایی هستند، در توجه به چهره‌های هیجانی (شاد، خشمگین، خنثی) سوگیری دارند یا خیر؟. فرضیه مطرح شده در این پژوهش عبارت است از اینکه، بین نوجوانان دارای اضطراب خصلتی - حالتی بالا و پایین در سوگیری توجه نسبت به چهره‌های هیجانی (شاد، خشمگین و خنثی) تفاوت وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری در برگیرنده همه دانش‌آموزان دختر ۱۶ تا ۱۸ ساله دبیرستان‌های دولتی شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ بود. انتخاب نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شد. به این طریق که از ۵ ناحیه آموزش و پرورش شهر تبریز ۲ ناحیه به تصادف انتخاب و سپس از هر ناحیه ۱ دبیرستان و از هر دبیرستان نیز ۶ کلاس به صورت تصادفی برای اجرای پرسشنامه اضطراب خصلتی - حالتی اسپیلبرگر انتخاب گردیدند. از ۴۱۳ دانش‌آموزی که پرسشنامه را تکمیل نمودند، دانش‌آموزانی که نمره پرسشنامه آنها $1/5$ انحراف معیار بالاتر از میانگین کل بودند، یعنی نمره دو مقیاس، بالاتر از این مقادیر (خصلتی = $66/58$ و حالتی = $65/59$) بود، به عنوان نوجوانان دارای اضطراب خصلتی - حالتی بالا و دانش‌آموزانی که نمره پرسشنامه آنها $1/5$ انحراف معیار پایین‌تر از میانگین کل بودند، یعنی نمره دو مقیاس، پایین‌تر از این مقادیر (خصلتی = $23/98$ و حالتی = $21/19$) بود، به عنوان نوجوانان دارای اضطراب خصلتی - حالتی پایین در نظر گرفته شدند. از بین دانش‌آموزان این دو طبقه، ۳۰ دانش‌آموز با اضطراب خصلتی - حالتی بالا و ۳۰ دانش‌آموز با اضطراب خصلتی - حالتی پایین، به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری

تعداد	انحراف معیار	میانگین	
۴۱۳	۱۴/۸۰۱	۴۳/۳۹۲	اضطراب حالتی
۴۱۳	۱۴/۲۰۳	۴۵/۲۸۵	اضطراب خصلتی
۴۱۳	۰/۸۲۸	۱۶/۷۳۳	سن

ابزار گردآوری اطلاعات

۱) پرسشنامه اضطراب خصلتی - حالتی اسپیلبرگر^۱: اولین بار پرسشنامه اضطراب خصلتی - حالتی در سال ۱۹۷۰ توسط اسپیلبرگر و همکاران ارائه شد (به نقل از فتحی‌آشتیانی، ۱۳۸۸). این پرسشنامه از ۴۰ سؤال تشکیل شده که ۲۰ سؤال اول حالت اضطراب (اضطراب آشکار) را ارزیابی می‌کند و هدف اصلی این بخش، اندازه‌گیری اضطراب با شدت از کم به زیاد در یک مقیاس ۴ درجه‌ای (اصلاً، تا حدودی، متوسط و خیلی زیاد) است. ۲۰ سؤال دوم صفت اضطراب (اضطراب پنهان) را مورد سنجش قرار می‌دهد. که در پاسخ به این مقیاس، آزمودنی‌ها نوع احساس خود را در یک مقیاس ۴ درجه‌ای (تقریباً هیچ وقت، گاهی، غالباً و تقریباً همیشه) نشان می‌دهند. بین مقیاس صفت اضطراب و دیگر آزمون‌هایی که صفت اضطراب را می‌سنجند، همبستگی‌های بالایی گزارش شده است. همبستگی مقیاس صفت اضطراب با ASQ (حساسیت اضطرابی)، بین ۰/۷۵ تا ۰/۷۷ گزارش شده است (فتحی‌آشتیانی، ۱۳۸۸).

در پژوهش پناهی شهری (۱۳۷۲) پایایی به روش بازآزمایی، برای مقیاس اضطراب خصلتی همبستگی ۰/۸۴ و ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس حالت اضطراب و صفت اضطراب ۰/۹۰ محاسبه شده است که ضریب بالایی است. ثبات و روایی مقیاس صفت اضطراب نیز در سطح بالایی گزارش شده است. ۲) آزمون پروب‌دات تصویری^۲: آزمون پروب‌دات یک تکلیف رایانه‌ای است که به منظور سنجش دو متغیر گوش به زنگی و اجتناب در مواجهه با تصاویر چهره‌های نشان‌دهنده هیجان مثبت، منفی و خنثی ساخته شده است (سرافراز، تقوی، گودرزی و محمدی، ۱۳۸۸). این آزمون، نسخه اصلاح شده آزمون اصلی است که توسط مک‌لئود و همکارانش در سال ۱۹۸۶ (به نقل از شفیع و همکاران، ۱۳۸۷) ارائه گردیده است. در این آزمون به جای واژه‌ها از چهره‌های هیجانی خشمگین، شاد، و خنثی بهره گرفته شده است.

روایی محتوایی این آزمون توسط افراد متخصص بررسی و مورد تأیید قرار گرفته است. سرافراز و همکارانش (۱۳۸۸) در تحقیقی برای گزارش پایانی آزمایش، از دو شیوه‌ی آلفای کرونباخ و روش تنصیف استفاده کرده‌اند که نتایج حاصل نشان می‌دهند که بیشتر ضرایب پایانی به دست آمده برای زیر مقیاس‌های سیاهه بیش از ۰/۹ است و فقط در موارد معدودی کمتر از این مقدار است. این یافته‌ها نشان از همسانی درونی و پایایی مناسب آزمایش دارد.

1. Spilberger State – Trait Anxiety Inventory
2. Dot probe Task

روش اجرای پژوهش

پس از انتخاب نمونه، آزمون رایانه‌ای پروب دات بر روی دانش‌آموزان انتخابی اجرا شد. روش کار برنامه رایانه‌ای آزمون پروب‌دات به این صورت است که پس از ارتباط اولیه با شرکت‌کننده، آزمودنی با فاصله مناسب از نمایشگر رایانه (۵۰ سانتیمتر) روی صندلی قرار گرفته و چگونگی استفاده از صفحه کلید به وی آموزش داده می‌شود. ابتدا ۱۵ کوشش به صورت تمرینی اجرا می‌شود و پس از پایان این ۱۵ کوشش، چنانچه آزمودنی نحوه کار را یاد نگرفته باشد، دوباره برنامه به ابتدای قسمت آموزشی و دستورالعمل باز می‌شود و اگر آزمودنی نحوه کار را یاد گرفت آزمون شروع می‌شود (سرافراز و همکاران، ۱۳۸۷).

ابتدا برای متمرکز کردن نگاه آزمودنی به مرکز نمایشگر یک علامت + در وسط صفحه ظاهر می‌شود، این علامت پس از مدت کوتاهی از بین رفته و آن‌گاه دو محرک (دو تصویر) یکی در سمت راست و یکی در سمت چپ به مدت ۲۵۰ هزارم ثانیه بر روی نمایشگر ظاهر می‌شود. سپس هر دو محرک با هم حذف می‌شوند و بعد از حذف دو محرک، در محل قرار گرفتن یکی از تصاویر سمت چپ یا راست یک نقطه نورانی ظاهر می‌شود. از آزمودنی خواسته می‌شود به محض دیدن نقطه نورانی، دکمه space که با بر چسب قرمز رنگ مشخص شده است را فشار دهد. آنگاه رایانه زمان واکنش شخص را پس از دیدن نقطه روشن ثبت می‌کند. هر چه زمان واکنش شخص به نقطه روشن پشت محرک خاص (چهره با هیجان مثبت، منفی، خنثی یا اشیاء) کمتر باشد، آزمودنی نسبت به آن محرک گوش به زنگی بیشتر، و هر چه زمان واکنش شخص طولانی‌تر باشد، آزمودنی از آن نوع محرک خاص، بیشتر اجتناب می‌کند (سرافراز و همکاران، ۱۳۸۸).

سوگیری توجه آزمودنی، که دارای دو وجه گوش به زنگی به هر کدام از دسته تصاویر یا اجتناب از آنها می‌باشد، با کم کردن زمان واکنش آزمودنی در حالت همایندی نقطه با چهره از زمان واکنش آزمودنی در حالت ناهمایندی نقطه با چهره محاسبه شد که نمرات منفی، نشان دهنده گوش به زنگی به چهره هیجانی و نمره مثبت، نشان دهنده اجتناب از چهره هیجانی است (سرافراز و همکاران، ۱۳۸۷). این برنامه طوری طراحی شده که از هر جفت تصویر شاد- خنثی، خشمگین- خنثی و شیء- خنثی ۱۰ تصویر تکرار و در مجموع دو برابر کل این تعداد، یعنی ۶۰ تصویر به صورت خنثی- خنثی ارائه می‌شود. ترتیب آرایه جفت تصاویر به صورت تصادفی تغییر می‌کند. تصاویر خنثی نیز به طور مساوی اما تصادفی در نیمی از کوشش‌ها در سمت چپ و در نیمی دیگر در سمت راست ارائه می‌شوند. ترتیب روشن شدن نقطه روشن نیز به همین شکل است. آزمودنی در مجموع ۹۰ جفت تصویر را مشاهده می‌کند، پشت تصاویر خنثی- خنثی نقطه نورانی ظاهر نمی‌شود تا تمایل آزمودنی به فشار دادن دکمه بدون توجه به دیدن یا ندیدن نقطه نورانی کنترل شود. اگر آزمودنی پس از حذف تصویر خنثی - خنثی دکمه را فشار دهد، عدد ثبت شده از محاسبات حذف می‌شود. بعد از آرایه‌ی ۴۵ کوشش، برنامه به صورت اتوماتیک متوقف می‌شود

که پس از استراحت آزمودنی و اعلام آمادگی برای ادامه آزمون، آزمونگر دوباره آزمون را راه‌اندازی می‌کند (همان منبع).

شیوه تحلیل داده‌ها

برای بررسی داده‌ها از آزمون آماری تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر^۱ استفاده شد و در صورت معنادار بودن تعامل بین متغیرها، از آزمون^۲ برای بررسی تفاوت در سوگیری توجه بین نوجوانان دارای اضطراب خصلتی - حالتی بالا و پایین نسبت به هر یک از چهره‌های هیجانی مختلف به طور جداگانه استفاده شد.

یافته‌ها

برای بررسی فرضیه پژوهش، ابتدا نمره سوگیری توجه برای هر یک از چهره‌های هیجانی با کم کردن زمان واکنش آزمودنی در حالت همابندی نقطه با چهره از زمان واکنش آزمودنی در حالت ناهمابندی نقطه با چهره محاسبه شد. در جدول ۲ آماره‌های توصیفی مربوط به نمره‌های سوگیری توجه در سه حالت در نوجوانان دارای اضطراب خصلتی - حالتی بالا و پایین نشان داده شده است. سپس از تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر در قالب یک طرح ۲×۳ استفاده شده است، که در آن متغیر اضطراب خصلتی - حالتی در دو سطح (بالا و پایین) به عنوان عامل بین گروهی و سوگیری توجه با سه سطح (شاد، خشمگین و خنثی) به عنوان عامل درون گروهی در نظر گرفته شده است. نتایج این تحلیل در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار نمره سوگیری توجه آزمودنی‌های دو گروه برای سه حالت چهره

حالت چهره	گروه	میانگین نمره‌های سوگیری توجه	انحراف معیار
شاد	پایین	- ۰/۰۱۸۱	۰/۰۵۶۳۳
	بالا	-- ۰/۰۱۴۱	۰/۰۷۸۸۲
خشمگین	پایین	۰/۰۴۷۵	۰/۰۶۴۷۵
	بالا	- ۰/۰۳۰۶	۰/۰۶۷۸۰
خنثی	پایین	-- ۰/۰۱۴۰	۰/۰۷۴۷۹
	بالا	-- ۰/۰۰۹۲	۰/۰۸۷۷۳

جدول ۳. خلاصه نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌های مکرر برای سوگیری توجه × گروه

منبع تغییرات واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
سوگیری توجه	۰/۰۲۱	۱/۸۴۸	۰/۰۱۱	۱/۹۳۷	NS
سوگیری توجه × گروه	۰/۰۶۸	۱/۸۴۸	۰/۰۳۷	۶/۴۳۸	۰/۰۱

1. Repeated Measures Analysis of Variance

2. T-Test

با توجه به جدول شماره ۳ تعامل سوگیری توجه × گروه ($P < 0/01$) معنادار است. بنابراین برای بررسی تفاوت در سوگیری توجه بین نوجوانان دارای اضطراب خصلتی - حالتی بالا و پایین نسبت به هر یک از چهره‌های هیجانی مختلف از آزمون تی تست گروه‌های مستقل استفاده شده است. نتایج این تحلیل در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. مقایسه میانگین‌های نمره‌های سوگیری توجه آزمودنی‌های دوگروه

مقایسه‌ها	تفاضل میانگین	تفاضل انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معناداری
شاد	-۰/۰۰۳	۰/۰۱۷	-۰/۲۲۴	۵۸	NS
خشمگین	۰/۰۷۸	۰/۰۱۷	۴/۵۶۷	۵۸	۰/۰۰۰۱
خنثی	-۰/۰۰۴	۰/۰۲۱	-۰/۲۲۶	۵۸	NS

نتایج جدول شماره ۴ نشان داد که بین نوجوانان دارای اضطراب خصلتی - حالتی بالا و پایین در سوگیری توجه نسبت به چهره‌های خشمگین تفاوت معناداری وجود دارد ولی در دیگر چهره‌های هیجانی (شاد و خنثی) تفاوت معناداری وجود ندارد. با مقایسه میانگین نمرات سوگیری توجه نسبت به چهره خشمگین در دو گروه اضطراب خصلتی - حالتی بالا و اضطراب خصلتی - حالتی پایین، نمرات مثبت نشان‌دهنده اجتناب نوجوانان دارای اضطراب خصلتی - حالتی پایین نسبت به چهره خشمگین و نمرات منفی نشان‌دهنده گوش به زنگی نوجوانان دارای اضطراب خصلتی - حالتی بالا نسبت به چهره خشمگین بود.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی مقایسه سوگیری توجه نسبت به چهره‌های هیجانی (شاد، خشمگین و خنثی) در نوجوانان دختر دارای اضطراب خصلتی - حالتی بالا و پایین انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان دادند که معناداری تعامل سوگیری توجه - گروه، در جهت تأیید فرضیه پژوهش است، یعنی سوگیری توجه در نوجوانان دارای اضطراب خصلتی - حالتی بالا و پایین نسبت به چهره‌های هیجانی شاد، خشمگین و خنثی متفاوت است که این تفاوت با پیگیری‌های بیشتر مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج حاکی از این بود که بین نوجوانان دارای اضطراب خصلتی - حالتی بالا و پایین در سوگیری توجه، تنها نسبت به چهره‌های خشمگین تفاوت معناداری وجود داشته، ولی در دیگر چهره‌های هیجانی (شاد و خنثی) تفاوت معناداری وجود نداشته است.

بنابراین براساس یافته‌های این پژوهش، نوجوانان مضطرب در سامانه شناختی خود نسبت به چهره‌های خشمگین سوگیری توجه دارند، یعنی افراد به طور انتخابی به نشانه‌هایی توجه می‌کنند که با موضوعات برجسته‌ی هیجانی آنها در ارتباط است؛ این یافته‌ها با تحقیقات (ویلیامز^۱، متیوس و مک‌لئود، ۱۹۹۶؛ مگ و برادلی، هایر^۲ و لی، ۱۹۹۸؛ تقوی^۳، مرادی^۴، نشاط دوست^۵،

1. Williams
2. Hyare
3. Taghavi
4. Moradi

یول^۲ و دالگلیش^۳، ۲۰۰۳؛ پاین^۴، مگ، برادلی، مانگومری^۵، مانک^۶، مک کلور^۷ و همکارانش، ۲۰۰۵؛ بروتمن^۸، ریچ^۹، اشمایک^{۱۰}، ریزینگ^{۱۱}، مانک، دیکستین^{۱۲} و همکاران، ۲۰۰۷ و هویو^{۱۳}، موس موریس^{۱۴}، برادلی، پولر^{۱۵} و مگ، ۲۰۰۸) هم سویی دارد.

بررسی‌های دقیق‌تر نشان داد که نوجوانان دارای اضطراب خصلتی - حالتی بالا، نسبت به چهره خشمگین گوش به زنگی و نوجوانان دارای اضطراب خصلتی - حالتی پایین نسبت به همین چهره‌ها اجتناب توجهی دارند. این یافته با پژوهش‌های شفیع و همکاران (۱۳۸۷) و لی و همکاران (۲۰۰۹) که با استفاده از آزمایش پروپ دات انجام داده‌اند و همچنین با یافته‌های مگ و همکاران (۲۰۰۰) که نشان دادند در آزمون استروپ افراد با اضطراب صفت پایین، اجتناب بیشتری از محرک تهدیدزا و افراد با اضطراب صفت بالا، توجه بیشتری به کلمات تهدیدزا داشته‌اند (که این همان گوش به زنگی این گروه را نسبت به کلمات تهدیدزا می‌رساند) همخوان است. همچنین این مساله در جهت حمایت از نظریه گوش به زنگی - اجتناب مگ و همکارانش (۱۹۹۱) است. با توجه به پیشینه تحقیقاتی و نظریه‌های شناختی می‌توان به این نتیجه کلی رسید که سوگیری توجه قابل ملاحظه در پردازش اطلاعات ممکن است در اختلالات هیجانی گوناگون نقش داشته باشد. بنابراین، افراد دارای اختلالات هیجانی یا کسانی که نسبت به این اختلالات آسیب‌پذیر هستند به طور انتخابی به اطلاعات هیجانی توجه می‌کنند. این سوگیری توجه می‌تواند با افزایش حالت خلق منفی^{۱۶} به سوگیری بیشتری نسبت به اطلاعات هیجانی منجر شود (تقوی و همکاران، ۲۰۰۰). به عبارتی این سوگیری توجه باعث افزایش اضطراب می‌شود، که میزان بالای اضطراب نیز به نوبه خود منجر به ایجاد خلق منفی می‌شود. بنابراین، زمان واکنش نسبت به محرک‌ها طولانی‌تر می‌شود. این موضوع در راستای این نظریه است که حالات خلقی منفی باعث پردازش طولانی‌تر محرک‌ها می‌شود. از طرف دیگر این یافته‌ها در راستای فرضیه صفت - همخوان^{۱۷} راستینگ

1. Neshat - Doost
2. Yule
3. Dalgelish
4. Pine
5. Montgomery
6. Monk
7. McClure
8. Brotman
9. Rich
10. Schmaiuik
11. Reising
12. Dickstein
13. Hou
14. Moss Morris
15. Peveler
16. Negative mood
17. Congruent-trait hypothesis

(۱۹۹۸) و خلق - همخوان^۱ باور (۱۹۸۱) می‌باشند که در آن خلق منفی و صفت اضطرابی بالا با سوگیری نسبت به پردازش اطلاعات هیجانی ناخوشایند (منفی)، و همچنین خلق مثبت و صفت اضطرابی پایین با سوگیری نسبت به پردازش اطلاعات هیجانی خوشایند (مثبت) رابطه دارد. مگ و همکارانش (۱۹۹۱) معتقدند افراد مضطرب ابتدا توجهشان معطوف به تهدید می‌شود، اما در تلاش به منظور کاهش اضطراب خود، از تشریح جزئیات آن خودداری می‌کنند؛ به عبارتی، اجتناب به عنوان یک عملکرد دفاعی به دنبال گوش به زنگی ظاهر می‌شود. گوش به زنگی برای اطلاعات تهدیدکننده تأثیر زیان‌باری دارد و به عنوان توضیحی برای برخی از ویژگی‌های اصلی نشانگان اضطراب^۲ به کار رفته است، زیرا باعث افزایش پردازش اولیه محرک تهدیدکننده و کاهش شانس خوگیری^۳ با محرک یا ارزیابی دوباره آن به عنوان یک محرک عادی می‌شود. بنابراین، محرک تهدیدکننده ظرفیت برانگیختن اضطراب را حفظ می‌کند. از دیدگاه یک فرد مضطرب، گوش به زنگی کارآمد است زیرا اگر تهدید زودتر کشف شود (پردازش اطلاعات به ویژه اطلاعات تهدیدآمیز سریع‌تر رخ دهد) احتمال بقاء را افزایش می‌دهد. متیوز و مک‌لئود (به نقل از محمودعلیلو و زعفرانچی‌زاده، ۱۳۸۷) معتقدند که افراد اضطرابی محرک‌های منفی را به گونه‌ای تشدید یافته، پیگیری و ردیابی می‌کنند که این وضعیت موجب می‌شود تا افراد مضطرب به انتزاع‌های انتخابی^۴ دست‌زده و نسبت به جنبه‌های مضر موقعیتی که در آن قرار دارند، بیشتر از حد حساس شوند و جنبه‌های مثبت آن را نادیده بگیرند.

سرانجام آنکه، توجه افراطی به محرک‌های منفی باعث فعال شدن نوعی پردازش گسترده‌ی مربوط به تهدید که مشخصه‌ی حالت اضطراب است، شده و این امر افزایش اضطراب را در پی دارد. به عبارتی، در هنگام گوش به زنگی، فرد مضطرب درگیر یک چرخه معیوب می‌شود.

با توجه به این سوگیری در اختلالات اضطرابی، یکی از محورهای مداخلات درمان می‌تواند تأکید بر پردازش شناختی باشد. بر پایه رویکرد رفتاری - شناختی^۵، بررسی سوگیری توجه نسبت به محرک‌های تهدیدزا برای مفهوم‌سازی اختلال‌های اضطرابی دارای اهمیت است و باید در راهبردهای درمانی برای نوجوانان مضطرب در نظر گرفته شود. مداخله‌های بالینی در این زمینه گوش به زنگی را برای تهدید، عامل مهمی در آسیب‌پذیری به اضطراب بالینی می‌دانند. زیرا باعث می‌شود که قدرت اضطراب‌زایی این محرک‌ها پایدار بماند. بنابراین آگاهی دادن به فرد مبتلا از عملکرد نادرست قبلی و آموزش عملکرد صحیح به وی، و همچنین مواجهه تدریجی فرد با محرک‌های اضطراب برانگیز می‌تواند باعث خاموشی اثر این محرک‌ها در ایجاد اضطراب شود (کلارک و فریورن، ۱۳۸۰).

1. Congruent-mood
2. Anxiety syndrome
3. Habituation
4. Selective abstractions
5. Cognitive-behavioral approach

نظر به اینکه هر پژوهش دارای محدودیت‌هایی است، پژوهش حاضر نیز از این امر مستثنی نبوده و دارای محدودیت‌ها و نواقصی است که می‌توان به آنها اشاره کرد: از آنجا که برای انجام پژوهش فرصت زمانی محدودی در اختیار بود، بدین جهت تدارک نمونه بیشتر فراهم نگردید، از این رو لازم است در تفسیر و نتیجه‌گیری از یافته‌ها و تعمیم آنها جانب احتیاط رعایت شود. همچنین این پژوهش بر روی یک جنس (دختران) انجام یافته است و این مسئله تعمیم داده‌ها را به جنس مخالف محدود می‌کند.

پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده این پژوهش بر روی حجم نمونه بزرگی انجام گیرد تا فرضیه با قوت بیشتری رد یا تأیید شوند. برای شناخت دقیق الگوی پردازش اطلاعات در افراد مبتلا به اضطراب مقوله‌های حافظه و قضاوت نیز در این افراد بررسی شوند. سوگیری توجه در سایر اختلالات اضطرابی (اضطراب اجتماعی، اضطراب منتشر و...) با در نظر گرفتن یک گروه بهنجار نیز مورد بررسی قرار گیرد. انجام بررسی بر روی یک جنس (دختران) تعمیم داده‌ها را به جنس مخالف (پسران) محدود می‌کند، بهتر است در پژوهش‌های آتی به بررسی هر دو جنس پرداخته شود.

منابع

- اسماعیلی ترکانبوری، یعقوب. (۱۳۸۲). **بررسی سوگیری توجه نسبت به محرک‌های هیجانی در نوجوانان مضطرب غیر بالینی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شیراز.
- پناهی شهری، محمود. (۱۳۷۲). **بررسی مقدماتی روانی، اعتبار و نرم‌یابی سیاهه حالت - صفت اضطراب اسپیلبرگر**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- سرافراز، مهدی‌رضا؛ تقوی، سید محمدرضا؛ گودرزی، محمدعلی و کفایتی، محمدحسن. (۱۳۸۷). مبانی نظری و نحوه ساخت آزمایش رایانه‌ای سوگیری توجه پروب‌دات با استفاده از تصاویر هیجانی واقعی برای بیماران مبتلا به اضطراب اجتماعی. **فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی**، دوره دوم، شماره اول، صص: ۷۲-۸۳.
- سرافراز، مهدی‌رضا؛ تقوی، سیدمحمدرضا؛ گودرزی، محمدعلی و محمدی، نوراله. (۱۳۸۸). مقایسه سوگیری توجه در نوجوانان مبتلا به اختلال حواس اجتماعی و نوجوانان بهنجار. **مجله تازه‌های علوم شناختی**، سال یازدهم، شماره ۱، صص: ۶۷-۵۶.
- شفیعی، حسن؛ گودرزی، محمدعلی و تقوی، سید محمدرضا. (۱۳۸۷). تأثیر اضطراب خصلتی کودکان در سوگیری توجه نسبت به چهره‌های هیجانی. **مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران**، سال چهاردهم، شماره ۴، صص: ۴۱۰-۴۰۴.
- شفیعی، حسن. (۱۳۸۳). **مقایسه سوگیری توجه نسبت به چهره‌های هیجانی طبیعی و در هم ریخته در کودکان دارای اضطراب خصلتی بالا و پایین (ارزیابی با آزمون اصلاح شده Dot-probe)**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شیراز.
- فتحی‌آشتیانی، علی. (۱۳۸۸). **آزمون‌های روان‌شناختی: ارزشیابی شخصیت و سلامت روان**. تهران: بعثت.

- کلارک، دیوید م و فریورن، کریستو فرج. (۱۳۸۰). **دانش و روش‌های کاربردی رفتار درمانی شناختی**، جلد اول. ترجمه: حسین کاویانی. تهران: انتشارات فارس.
- محمودعلیلو، مجید و زعفرانچی‌زاده، مینا. (۱۳۸۷). **پردازش هیجانی**. تبریز: انتشارات ستوده.
- Brotman, M. A., Rich, B. A., Schmauk, M., Reising, M., Monk, C. S., Dickstein, D. P., et al. (2007). Attention Bias to Threat Faces in Children with Bipolar Disorder and Comorbid Lifetime Anxiety Disorder. **Biological Psychiatry**, 61(6), pp. 819-821.
- Bower, G. H. (1981). Mood and Memory. **American Psychologist**, 36, pp. 126-48.
- Fox, E. (1993). Attentional Bias in Anxiety: Selective or Not? **Behaviour Research and Therapy**, 31(5), pp. 487-493.
- Heimberg, R.G., & Barlow, D. H. (2001). New Developments in Cognitive Behavioral Therapy for Social Phobia. **Journal of Clinical Psychiatry**, 52, pp. 21-30.
- Hou, R., Moss Morris, R., Bradley, B. P., Peveler, R., & Mogg, K. (2008). Attentional Bias Towards in Chronic Fatigue Syndrome. **Journal of Psychosomatic Research**, 65, pp. 47-50.
- Lee, L. O., & Knight, B. K. (2009). Attentional Bias for Threat in Older Adults: Moderation of the Positivity Bias by Trait Anxiety and Stimulus Modality. **Psychology and Aging**, 24(3), pp. 741-747.
- Mathews, A., & Macleod, C. (1986). Discrimination of Threat Cues without Awareness in Anxiety States. **Journal of Abnormal Psychology**, 95, pp. 131-138.
- Mogg, K., Bradley, B.P., Dixon, C., Fisher, S., Twelftree, H., & McWilliams, A. (2000). Trait Anxiety, Defensiveness and Selective Processing of Threat: An Investigation Using Two Measures of Attentional Bias. **Personality and Individual Differences**, 28(6), pp. 1063-1077.
- Mogg, K., Mathews, A., Eysenck, M., & May, J. (1991). Biased Cognitive Operation in Anxiety. **Behaviour Research and Therapy**, 29, pp. 459-407.
- Mogg, k., Bradley, B.P., Hyare, H., & lee, S. (1998). Selective Attention to Food-Related Stimuli in Hunger: Are Attentional Biases Specific to Emotional and Psychopathological States, or are they also found in Normal Drive States? **Behaviour Research and Therapy**, 36, pp. 227-237.
- Pine, D. S., Mogg, K., Bradley B.P., Montgomery, L.A., Monk, C.S., McClure, E., et al. (2005). Attention Bias to Threat in Maltreated Children: Im Placations for Vulnerability to Stress- Related Psychopathology. **American Journal Psychiatry**, 162, pp. 291-296.
- Radomsky, A.S., & Van Den Hout, M. (2004). Introduction to the Special Issue, "Experimental Approaches to Understanding Obsessive Compulsive Disorder. **Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry**, 35, pp. 85-86.
- Roy, A.K., Vasa, R.A., Bruck, M., Mogg, K., Bradley, B.P., Sweeney, M., et al. (2008). Attentional Bias toward Threat in Pediatric Anxiety Disorders. **Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry**, 47(10), pp. 1189-1196.
- Rusting, C. L. (1998). Personality, Mood and Cognitive Processing of Emotional Information: Three Conceptual Frameworks. **Psychological Bulletin**, 124, pp. 165-196.
- Spielberger, C. D., & Krasner, S. S. (1988). The Assessment of State and Trait Anxiety. In Noyesy R.Roth M and Burrows, G. D. (eds). **Hand Book of Anxiety**, V.2: Classification, Etiological Factors and Association Disturbances, 31-51. Elsevier Science Publishers B. V.

- Stormark, K. M., Field, N. P., Hugdahl, K., & Horowitz, M. (1997). Selective Processing of Visual Alcohol Cues in Abstinent Alcoholics: An Approach-Avoidance Conflict?. **Addictive Behaviors**, 22, pp. 509-519.
- Taghavi, S. M. R., Dalgleish, T., Moradi, A. R., Neshat-Doost, H. T., & Yule, W. (2003). Selective Processing of Negative Emotional Information in Children and Adolescents with Generalized Anxiety Disorder. **British Journal of Clinical Psychology**, 42, pp. 221-230.
- Taghavi, S. M. R., Moradi, A. R., Neshat-Doost, H. T., Yule, W., & Dalgleish, T. (2000). Interpretation of Ambiguous Emotional Information in Clinical Anxious Children and Adolescents. **Cognition and Emotion**, 14, pp. 809-822.
- Telzer, E. H., Mogg, K., Bradley, B. P., Mai, X., Ernst, M., Pine, D. S., et al. (2008). Relationship Between Trait Anxiety, Prefrontal Cortex, and Attention Bias to Angry Faces in Children and Adolescents. **Biological Psychology**, 79(2), pp. 216-222.
- Waters, A. M., Mogg, K., Bradley, B. P., & Pine, D. S. (2008). Attentional Bias for Emotional Faces in Children with Generalized Anxiety Disorder. **Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry**, 47(4), pp. 435-422.
- Waters, A. M., Henry, J., Mogg, K., Bradley, B. P., & Pine, D. S. (2010). Attentional Bias Toward Angry Faces in Childhood Anxiety Disorders. **Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry**, 41(2), pp. 158-164.
- Wells, K. G., & Mathews, T. E. (1994). Emotionality and Interference with Colour-Naming in Anxiety. **Behavior Research and Therapy**, 31, pp. 57-62.
- Williams, J. H. G., Mathews, A., & McLeod, C. (1996). The Emotional Stroop Task and Psychopathology. **Psychological Bulletin**, 120, pp. 3-24.

Archive